

چرندیات پست مدرن

سوءاستفادهٔ روشنفکران پست مدرن از علم

آلن سوکال و ژان بریکمون

ترجمهٔ عرفان ثابتی



فهرست

- پیشگفتار ویراست دوم ۷
- پیشگفتار چاپ انگلیسی ۱۷
۱. مقدمه ۲۵
۲. ژاک لاکان ۴۷
۳. ژولیا کریستوا ۷۱
۴. میان‌پرده: نسبت‌گرایی معرفت‌شناختی در فلسفه علم ۸۷
۵. لوس ایریگاری ۱۵۵
۶. برونو لاتور ۱۷۷
۷. میان‌پرده: نظریه آشوب و «علم پست‌مدرن» ۱۸۹
۸. ژان بودریار ۲۰۵
۹. ژیل دلوز و فلیکس گوتاری ۲۱۳
۱۰. پل ویرلیو ۲۳۱
۱۱. قضیه گودل و نظریه مجموعه‌ها: مثال‌هایی از سوءاستفاده ۲۴۱
۱۲. مؤخره ۲۴۹

۲۸۷	ضمیمه الف: تجاوز از مرزها: به سوی تأویلی متحول‌کننده از گرانش کوانتومی
۳۲۹	منابع.....
۳۴۵	ضمیمه ب: اظهارنظرهایی در باره نقیضه تجاوز از مرزها.....
۳۵۷	ضمیمه ج: تجاوز از مرزها: یک تکمله.....
۳۷۳	کتابنامه.....
۳۹۵	نمایه.....

مقدمه

مادامی که حجیت در دل‌ها هراس می‌افکند، آشفتگی و پوچی، گرایش‌های محافظه‌کارانه را در جامعه تقویت می‌کند. دلیل این امر در درجهٔ اول آن است که تفکر شفاف و منطقی به انباشت معرفت می‌انجامد (پیشرفت علوم طبیعی بهترین نمونهٔ آن است) و افزایش معرفت دیر یا زود نظم سنتی را تضعیف می‌کند. در مقابل، پریشان‌فکری به هیچ‌جای خاصی نمی‌رسد و می‌توان به مدت نامحدودی به آن میدان داد بی‌آن‌که هیچ تأثیری در جهان گذارد.

— استانیسلاو آندرسکی، علوم اجتماعی
به مثابهٔ جادوگری (۱۹۷۲، ص ۹۰)

داستان این کتاب با یک حقه شروع شد. چند سالی می‌شد که گرایش‌های فکری در برخی حوزه‌های دنیای آکادمیک آمریکا ما را متعجب و ناراحت کرده بود. به نظر می‌رسید بخش‌های وسیعی از علوم انسانی و علوم اجتماعی، فلسفه‌ای را برگزیده‌اند که آن را، تا زمان یافتن اصطلاح بهتری، «پست‌مدرنیسم» می‌خوانیم. جریانی فکری که مشخصهٔ آن طرد کم و بیش صریح سنت عقل‌گرایانهٔ عصر روشنگری، جدایی‌گفتمان‌های نظری از هرگونه آزمون تجربی، و نوعی نسبیت‌گرایی شناختاری و فرهنگی است که علم را چیزی جز نوعی «روایت»، نوعی «اسطوره» یا نوعی برساختهٔ اجتماعی نمی‌داند.

برای واکنش نشان دادن به این پدیده، یکی از ما (سوکال) تصمیم گرفت آزمایش نامتعارف (و مسلماً کنترل نشده‌ای) انجام دهد: این که به یک نشریه مطالعات فرهنگی آمریکایی مد روز، *Social Text*، هجویه و نقیضه‌ای از آن نوع کارهایی را تحویل دهد که در سال‌های اخیر به شدت افزایش یافته‌اند، و ببیند آیا آن را منتشر خواهند کرد یا نه. این مقاله، با عنوان «تجاوز از حدود: به سوی تأویلی متحول‌کننده از گرانث کوانتومی»،^(۱) مالا مال از حرف‌های بی‌معنی و بی‌ربط و مغالطه‌های آشکار است. به علاوه، این مقاله بر شکل افراطی نسبیت‌گرایی شناختاری تأکید می‌کند: پس از تمسخر «جزم» از مد افتاده‌ای که می‌گوید «یک جهان بیرونی وجود دارد که ویژگی‌هایی مستقل از تک تک انسان‌ها و در واقع کل بشریت دارد»، صریحاً اعلام می‌کند که «واقعیت فیزیکی، درست به اندازه 'واقعیت' اجتماعی، در اصل نوعی برساخته اجتماعی و زبانی است.» این مقاله با چند پرسش منطقی حیرت‌آور به این نتیجه می‌رسد که «عدد پراکلیدس و عدد π نیوتن، که پیش از این ثابت و جهانشمول به شمار می‌رفتند، اکنون به طور قطعی تاریخمند به شمار می‌روند؛ و ناظر قانونی به طرز مهلکی هرگونه مرکزی را از دست می‌دهد و از هر نوع پیوند معرفت‌شناختی با یک نقطه زمان - مکان می‌گسلد، نقطه‌ای که دیگر نمی‌توان آن را فقط به کمک هندسه تعیین کرد.» بقیه مقاله بر همین سیاق است.

با این همه، این مقاله را پذیرفتند و چاپ کردند. از این بدتر آن که این مقاله را در شماره مخصوص *Social Text* منتشر کردند، شماره‌ای که به اثبات نادرستی انتقادات برخی دانشمندان برجسته از پست‌مدرنیسم و ساخت‌گرایی اجتماعی اختصاص داشت.^(۲) هیئت تحریریه و سردبیران *Social Text* از این بهتر نمی‌توانستند به خود ضربه بزنند.

سوکال بلافاصله این حقه را برملا کرد. این امر در نشریات عامه‌فهم و دانشگاهی واکنش‌های زیادی در پی داشت.^(۳) بسیاری از پژوهشگران علوم

انسانی و علوم اجتماعی به سوکال نامه نوشتند، نامه‌هایی که گاهی بسیار تکان‌دهنده بود، و از او به خاطر این کار تشکر کردند و به رد و طرد گرایش‌های پست‌مدرنیستی و نسبیت‌گرایانه حاکم بر بخش‌های گسترده‌ای از رشته‌های خود پرداختند. دانشجویی احساس می‌کرد که پولی که برای تأمین هزینه مطالعات خود به دست آورده بود، صرف لباس‌های امپراتوری شده بود که، مثل امپراتور همان قصه معروف، برهنه بود. شخص دیگری نوشت که او و دیگران از این نقیضه به هیجان آمده‌اند، ولی تقاضا کرد که احساساتش محرمانه باقی بماند، زیرا هر چند می‌خواست به ایجاد تغییرات در رشته خود کمک کند، تنها پس از به دست آوردن شغلی دائمی قادر به این کار بود.

ولی علت این جار و جنجال چه بود؟ به رغم هیاهوی رسانه‌ها، صرف واقعیت چاپ این نقیضه فی‌نفسه چندان چیزی را اثبات نمی‌کند؛ حداکثر افشاکننده موازین فکری بک نشریه مد روز است. با وجود این، با بررسی محتوای این نقیضه می‌توان به نتایج جالب‌تری رسید.^(۴) با واریسی دقیق درمی‌یابیم که این نقیضه مبتنی بر نقل قول‌هایی از روشنفکران برجسته فرانسوی و آمریکایی در باره معانی ضمنی ادعایی فلسفی و اجتماعی ریاضیات و علوم طبیعی است. ممکن است این عبارت‌ها یاوه یا بی‌معنی باشند، ولی به هر حال معتبر هستند. در واقع تنها کار سوکال این بود که «چسبی» فراهم کرد (که «منطقی» آن مسلماً بازیگوشانه و شیطنت‌آمیز بود) تا این نقل قول‌ها را به هم بچسباند و آن‌ها را بستاید. نویسندگان مورد نظر، گروه تمام‌عیاری از مشاهیر «نظریه فرانسوی» معاصر را تشکیل می‌دهند: ژیل دلوز، ژاک دریدا، فلیکس گوتاری، لوس ایریگاری، ژاک لاکان، برونو لاتور، ژان - فرانسوا لیوتار، میشل سر، و پل ویرلیو.^(۵) این نقل قول‌ها همچنین بسیاری از دانشگاهیان برجسته آمریکایی در حوزه مطالعات فرهنگی و حوزه‌های مرتبط با آن را دربر می‌گیرد؛ ولی این نویسندگان اغلب، حداقل تا حدودی، پیروان یا شارحان استادان فرانسوی هستند.